

Pathology of Iranian Sports International Diplomacy

Abstract

The purpose of this study is the pathology of Iran's international sports diplomacy. This study aims to investigate the pathology of Iran's international sports diplomacy. Therefore, the present study is of an applied type and because it examines and analyzes the current situation, It is a descriptive survey with a mixed approach. The study population is all political and sports experts, which is about 500 people. Due to the large size of the population, to facilitate the study using the sampling method to answer the questionnaire, according to Krejcie and Morgan table and based on simple random sampling Russian, 225 people are selected as the sample. In this research, two library and field methods have been used to collect information. In the present study, using related internal and external articles, existing theoretical frameworks as well as opinions and interviews of experts and professors of the research committee, factors related to the topic were identified and a preliminary questionnaire was prepared using the Likert scale. After determining its validity and validity, the final questionnaire was prepared and the required information was collected. In order to analyze the information in the qualitative part, the indicators were identified by Delphi method through interviews and then in the quantitative part, the indicators were distributed as a questionnaire and Likert scale and were evaluated using factor analysis. The results showed that the harms of diplomacy include cultural damage - diplomatic - friendly relations - national cohesion - business development and their related sub-indicators.

Keywords: Pathology, International Diplomacy, Sports, Politics, Iran

آسیب شناسی دیپلماسی بین المللی ورزش ایرانآرمان طاهری^۱سید محمد حسین رضوی^۲سعید امیر نژاد^۳مرتضی دوستی پاشاکلایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۷

چکیده

هدف از این مطالعه آسیب شناسی دیپلماسی بین المللی ورزش ایران است. این تحقیق با هدف آسیب شناسی دیپلماسی بین المللی ورزش ایران انجام میشود. بنابراین تحقیق حاضر از نوع کاربردی می باشد و به این دلیل که به بررسی و تحلیل وضع موجود پرداخته می شود از نوع توصیفی پیمایشی و با رویکرد آمیخته می باشد. جامعه مورد مطالعه کلیه افراد صاحب نظر و خبره سیاسی و ورزشی (حدود ۵۰۰ نفر) می باشند. به جهت زیاد بودن حجم جامعه، برای سهولت انجام مطالعه با استفاده از روش نمونه گیری برای پاسخ به پرسشنامه، طبق جدول کرجسی و مورگان و بر اساس روس نمونه گیری تصادفی ساده، ۲۲۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب می شوند. در این پژوهش از دو روش کتابخانه ای و میدانی جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است. در تحقیق حاضر با استفاده از مقالات مرتبط داخلی و خارجی، چارچوب های نظری موجود و همچنین نظرات و مصاحبه از صاحب نظران و اساتید کمیته تحقیق، عوامل مرتبط با موضوع شناسایی شده و با استفاده از مقیاس درجه بندی لیکرت پرسشنامه مقدماتی تهیه گردید. پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه و اطلاعات مورد نیاز جمع آوری گردیده است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کیفی ابتدا به روش دلفی از طریق مصاحبه، شاخص ها شناسایی شد و سپس در قسمت کمی شاخص ها بصورت پرسشنامه و طیف لیکرت توزیع گردید و با استفاده از روش تحلیل عاملی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که آسیب های دیپلماسی شامل آسیب فرهنگی - دیپلماتیک - روابط دوستانه - انسجام ملی - توسعه تجاری و زیرشاخص های مربوطه آن ها می باشد.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی، دیپلماسی بین المللی، ورزش، سیاست، ایران

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شمال، آمل، ایران. Arman.taheri@rocketmail.com^۲ استاد گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول) razavismh@gmail.com^۳ استادیار دانشگاه هنر، تهران، ایران. s.amirnejad@art.ac.ir^۴ دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

در دنیای امروزی، عملکرد ورزش از وجوه گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصاد در بستر داخلی و از این ها مهم تر در ارتباطات بین المللی حائز اهمیت و مورد توجه است. بین المللی شدن تعداد زیادی از رشته های ورزشی باعث شده است تا رقابت های ورزشی بین المللی به حوزه و مکانی جهت ارتقاء، آماده سازی بستر و رهیافت به اهداف سیاسی و سیاست خارجی کشورها بدل گردد. ورزش، این توانایی را دارد که تحت عنوان پلی بین ملت ها باشد و دولت های گوناگون می توانند با تکیه نمودن بر جاذبه های درونی ورزش و تاثیرات آن بر دولت ها و قشرهای گوناگون، از این بستر جهت انتقال دادن پیغام و هم راستا نمودن واحدهای سیاسی همراه با تحقق و پیشرفت محتوای ارتباطات فراملی استفاده نمایند (Abdi & Talebpour, ۲۰۱۸). افزون بر این، همگانی بودن ورزش، بهره مندی مجلس از فراکسیون ورزش، استفاده از اشخاص آگاه، مطلع و آموزش دیده و همچنین آگاهی دادن به اشخاص صاحب نظر در جهت رهیافت این اهداف تاثیرگذار می باشد. لازم به ذکر می باشد که ورزش در همجواری مسئولان، افرادی دیگر را نیز پوشش می دهد و در این راستا از وسیله های تبلیغاتی گوناگونی مانند رسانه ها بهره می گیرد و این توانایی را دارد که از این وسیله ها جهت دستیابی به اهداف دیپلماتیک مد نظر استفاده نماید (Bakhshi & Goodarzi, ۲۰۲۱). ضمن آنکه ورزش میتواند نیازهای اشخاص را بدون آنکه مخفی کند، انتشار دهد و به این نیازها با استفاده از مجذوب نمودن به جای زور یا اجبار، نمره دهد. لذا می توان بیان نمود که اکنون ورزش رابطه بسیار نزدیکی با سیاست دارد و به عنوان وسیله ای برای دیپلماسی عمومی و سیاست های دولت های خارجی می باشد. ورزش، کمیته های بین المللی و نهادهای جهانی، در بین حجم گسترده سازمان های چندملیتی، غیردولتی و بین حکومتی، به عنوان وسیع ترین ارزش مشترک جوامع کنونی باعث گردید تا بدون بهره مندی از هر نوع رنگ نژادی و قومی، به وقوع پیوستن دهکده ای جهانی با سرعتی روزافزون انجام گیرد. مضمون دیپلماسی ورزش به عنوان یکی از اصلی ترین مشخصه های گسترش قدرت نرم و دیپلماسی عمومی، مدنظر تعداد زیادی از اقتصادهای نوظهور (بریکس) و کشورهای توسعه یافته می باشد (Min & Choi, ۲۰۱۹). در عرصه بین الملل کشورهایی با اقتصاد پیشرفته (فراصنعتی) از ورزش به عنوان وسیله ای جهت ارتقاء وضعیت اقتصادی بهره می برند؛ این در حالی است که دیگر کشورها از این مهم جهت راهکاری کوتاه مدت برای رفع مشکلات حاکمیتشان استفاده می نمایند (Pigman, ۲۰۱۴)، از این رو ضروری به نظر میرسد که جمهوری اسلامی ایران با نوع بهره مندی از تجربه های کشورهای صاحب سبک در حیطه دیپلماسی ورزشی، همراه با استفاده از نظرات و دیدگاه های کارشناسان این کشورها، آسیب های وارد شده از سیاست های خارجی و نقاط ضعفش را در عرصه بین الملل بشناسد و در راستای ارتقاء و بهبود این عوامل عمل نماید. زیرا میزبانی رویدادهای بین المللی ایران نشان داد که به دست آوردن زیرساخت های بین المللی و ... بیانگر حرکت آهسته دیپلماسی ورزشی ایران می باشد و موقعیت یابی مناسبی در این رویداد و حیطه انجام نشده است. لذا نیاز است که موقعیت کنونی دیپلماسی ورزشی ایران در جهت شناسایی چالش ها بررسی شود و راهبردهایی جهت توسعه دیپلماسی ورزشی در ایران تدوین گردد. امید است که این امر بتواند مبنایی جهت تصمیم گیری مناسب دستگاه دیپلماسی و سیاستگذاران روابط خارجی باشد. در حقیقت آسیب شناسی دیپلماسی بین المللی ورزش ایران این توانایی را دارد که به شناخت مناسب تر ظرفیت های بالقوه ایران در عرصه ورزشی و سرانجام ارائه راهکارها و در نتیجه ارتقاء و بهبود ارتباطات و سیاست های خارجی کشور منجر گردد و راهبردی جهت فراهم نمودن منافع ملی در شرایط

نابسامان و ضروری باشد. کشورها تلاش می نمایند از ورزش برای دستیابی به اهداف بزرگی در رابطه با به دست آوردن ثروت، قدرت و افزایش منزلت بین المللیشان بهره برند. این عوامل سبب حضور دیپلماسی ورزشی در کنار انواع دیگر دیپلماسی شده است (Sakwa, ۲۰۲۱). در دنیای کنونی افکار از مهم ترین ارکان ارزشمند تصمیم گیری حوزه های مختلف است و از این رو کشورها نمی توانند مانند گذشته فقط بر ارتباطات بین دولتی به شکل دیپلماسی قدیمی تکیه نمایند و می توان بیان نمود که مقوله های ارزشمندی همچون سیاست، دیپلماسی، اقتصاد، هنر، فرهنگ و مذهب در زمینه های گوناگون جوامع نقش آفرینی می نمایند. لازم به بیان است که پدیده دیپلماسی ورزشی، از میان انواع دیپلماسی، فراگیرتر می باشد و بعد از دیپلماسی رسمی، در سطح دیپلماتیک، اصلی ترین مؤلفه ارتباطی بین کشورها است. زیرا دیپلماسی ورزشی با نشان دادن جذابیتش این توانایی را دارد که بر عموم مردم تأثیر مطلوبی بگذارد و نتایج هدفمند و با ارزشی به دست آورد (Castro, ۲۰۱۳). در حقیقت دیپلماسی ورزشی حدفصل دیپلماسی فرهنگی و عمومی قرار دارد. بی شک عملکرد دیپلماسی عمومی فراتر از ارائه نمودن جذابیت های ورزشی به رسانه های خارجی می باشد. این شاخه از دیپلماسی به نوعی تعامل با مخاطب خارجی با استفاده از هنر، موسیقی، فیلم و در نهایت ورزش است. اخیراً دیپلماسی ورزشی به عنوان زیرمجموعه ای از دیپلماسی عمومی به بخشی از عملکرد علمی دیپلماتیک تبدیل شده است. کشورها به دلیل بین المللی شدن بسیاری از ورزش ها، رقابت های ورزشی را فرصتی ارزشمند برای پیشبرد منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی می دانند (Pigman, ۲۰۱۴). دولت های مختلف از دیپلماسی ورزشی، از یک سو جهت فشار بر هم و از سوی دیگر جهت تقویت و بهبود ارتباطات خودشان استفاده می نمایند. امروزه بعضی از ورزش های حرفه ای به گونه ای با سیاست در هم آمیخته شده اند که دیگر نمی توان از اثرگذاری آن ها بر ارتباطات بین دولت ها و سیاست های داخلی غافل ماند. بر این اساس ورزش موجب صلح جهانی گشته و دشمنان را در میدان ورزشی کنار یکدیگر گرد هم آورده است. البته بعضی افراد اعتقاد دارند که دیپلماسی ورزشی، در جهت پیشرفت ارتباطات دولت ها و سیاست خارجی میان آنها تأثیر مستقیمی ندارد و تنها به عنوان تسریع کننده است و آخرین تصمیم سیاسی مطابق با اراده رهبران سیاسی گرفته می شود. به طور کلی، به دلیل آنکه ورزش دارای وجهه ای بین المللی است، می تواند به عنوان بهترین وسیله در جهت توسعه ارتباطات و تعاملات بین کشورها، اعتلای صلح جهانی و استقرار آن باشد. لذا برخورداری از برنامه هدفمند و کلان، راهبردی، سیاست های فرهنگی بلندمدت، استراتژی روشن در زمینه ورزش و ارتباطات بین المللی، موجب تشکل افق های روشنی برای جامعه شده و راه پیشرفت و رشد همه جانبه را برای جامعه امکان پذیر می نماید (Javadipour, 2019). رخدادهای بزرگ ورزشی بالاخص بازی های المپیک و جام جهانی فوتبال از مهمترین اقدامات ارتباطی در جهت جلب توجه میلیون ها انسان در سراسر جهان می باشند. مسئله اقتصاد، از دیگر دغدغه های ضروری جهان کنونی است و از این رو ورزش در دنیای کنونی یک صنعت ارزشمند و زودبازده است که دارای درصد بالایی از ارزش تجارت جهانی است و همین امر به پیشرفت کشورهای گوناگون کمک بسیاری نموده و می نماید (Rehor, ۲۰۱۷). توریسم ورزشی، یکی از زیرمجموعه های ارزشمند توسعه و اقتصاد است که موجب درآمد زیادی برای کشورهای گوناگون شده است و از این رو تعداد زیادی از دولت ها با آماده نمودن بسترهای این بخش، مانند ازدیاد و گسترش فضاهای ورزشی برای برگزاری مسابقات بین المللی، برپایی مکان های اقامتی مثل دهکده های بازی و هتل های چند ستاره، گسترش جاده ها، فرودگاه ها و حمل و نقل شهری، سود کلانی را به دست می آورند (Zhao, ۲۰۲۱). بر اساس

مطالب ذکر شده یکی از دلایل مهمی که به مطالعه حاضر پرداخته می‌شود این است که رهیافت به چنین موفقیتی آن هم در شرایط کنونی که ایران در نامناسب ترین وضعیت بین المللی است و با سخت ترین فضاها و تحریم‌های بین المللی مواجه می‌باشد، به نوبه خود پیروزی بسیار بزرگ و افتخارآفرینی است. چنین موفقیتی همسو با موفقیت‌های دیگر مثل پیشرفتهای فناوری و علمی وسیله ای جهت به دست آوردن اعتبار و پرستیژ بین المللی می‌باشد و دغدغه و آشفتگی خاطر کارشناسان و محققین در این حیطه این است که با موقعیت کنونی جمهوری اسلامی ایران و وضعیت جهانی و منطقه ای و از دیگرسو استعدادها و ظرفیت های زیاد در حیطه ورزش، چگونه دیپلماسی ورزشی می‌تواند در کنار دیپلماسی سیاست خارجی، به عنوان مهم ترین مولفه ارتباطی در سطح جهان قرار گیرد و یا در دیگر جنبه های ذکر شده همچون بستر اقتصادی راهگشا باشد. این مهمترین دغدغه و سوال مطالعه حاضر است که به غیر از بررسی شرایط و آسیب شناسی آن امکان پذیر نیست. زیرا آسیب شناسی سرانجام منجر به برنامه ریزی برای از بین بردن مشکلات و به دنبال آن بهبود اوضاع و گرفتن تصمیمات مهم می‌شود. لذا به نظر می‌رسد کشور ما نیز نیازمند شناخت، برنامه ریزی و بهره گیری موثر از دیپلماسی ورزشی است. با توجه به این مسائل این سوال مطرح است که آیا دیپلماسی ورزشی ایران با مقتضیات و ظرف زمانی و مکانی تحولات جاری منطبق بوده و از پویایی و تحرک لازم برخوردار است؟ دلایل ضعف و عدم موفقیت تلاش‌های دیپلماتیک و ورزشی دستگاه دیپلماسی کشور چیست؟ راه حل های احتمالی برای پوشش ضعف ها چه می‌تواند باشد؟

چهارچوب نظری و ادبیات پژوهش

ورزش و دیپلماسی عمومی

اگرچه دیپلماسی عمومی دارای کاربردهای بسیاری می‌باشد و تا به امروز پیرامون آن بحث های بسیاری انجام گرفته است، لیکن در قالب دیپلماسی سنتی صحبتی نشده است. دیپلماسی عمومی، روابط عمومی و تبلیغات نیست. با این وجود، جهت درک تحول این امر، شناخت مفهوم و تعریف روابط عمومی و تبلیغات واجد اهمیت است. «پروپاگاندا» در بیان عبارت است از اشاعه یک موضوع و یا دکتترین خاص که انعکاس دهنده اطلاعات، نظرات و منافع حامیان این امر است. از دیگر سو، روابط عمومی بیانگر اجبار نمودن مردم به برخورداری از درک همراه با حسن نیت در رابطه با یک نهاد، فرد و یا فیلم می‌باشد. با توجه به این مفاهیم می‌توان بیان نمود که هیچ کدام به خودی خود، گویای مفهوم دیپلماسی عمومی نمی‌باشند.

دیپلماسی عمومی - که با ارتباطات عمومی بین المللی و پروپاگاندا مغایرت دارد - بیانگر برنامه ریزی عملیاتی و راهبردی برنامه های آموزشی، اطلاعاتی و فرهنگی هر کشوری جهت به وجود آوردن فضایی در افکار عمومی کشور یا کشورهای هدف است، به گونه ای که رهبران سیاسی کشور هدف را مجاب می‌نمایند تا تصمیماتی در جهت حمایت و طرفداری اهداف سیاسی خارجی کشور اقدام کننده، بگیرند. به گونه ای که از این تعریف مشخص است، دیپلماسی عمومی لازمه بهره مندی برنامه ریزی شده و فعال از برنامه های آموزشی، اطلاعاتی و فرهنگی جهت اثرگذاری برای دستیابی به نتیجه مناسب می‌باشد که به طور مستقیم با اهداف سیاسی خارجی هر کشوری ارتباط دارد. لذا، دیپلماسی عمومی دارای مفهومی فراتر از «پروپاگاندا» که در آن پیامی ویژه به کشور هدف ارسال میشود و یا ارتباط رایج و عمومی که چهره سازی؛ برندسازی همراه با آگاهی مفاهیم اصلی آن میباشد، است. آن چیزی که در سرانجام دگرگونی های عرصه دیپلماسی با نام دیپلماسی

عمومی در مناسبات بین‌المللی تجلی نمود، از تفاوت واضح و مبرهنی با دیپلماسی سنتی برخوردار است. بدین شرح که دیپلماسی سنتی در رابطه با نحوه ارتباطات میان نمایندگان دولت‌ها یا دیگر بازیگران بین‌المللی می‌باشد، و دیپلماسی عمومی تنها هدفش را به مردم عادی کشورهای خارجی و بالاخص سازمان‌ها و نهادهای غیر رسمی گذاشته است. از این رو در همه تعاریفی که از دیپلماسی عمومی بیان گشت، بر رابطه مستقیم یک دولت و شهروندان کشورهای دیگر تأکید گشته است. در تعریفی مختصر «پال شارپ» دیپلماسی عمومی را فرایندی می‌داند که به وسیله آن رابطه مستقیمی میان مردم یک کشور جهت ارتقاء منافع و توسعه ارزش‌های جوامعی که نمایندگانش دیپلماسی عمومی را رقم می‌زنند، برقرار می‌گردد. این در حالی است که دیپلماسی عمومی مطابق با تعریف «هانس تاچ» فرایند رابطه یک دولت با مردم دیگر جوامع جهت آگاهی‌آزآرمان‌ها، عقاید، فرهنگ و نهادهایش همراه با سیاست‌ها و اهداف ملی خودش می‌باشد. با توجه به این تعاریف، یکی از عرضه‌های تحقق دیپلماسی عمومی، رویدادهای ورزشی و ورزش بین‌المللی است. به‌طور کلی رویدادهای ورزشی و ورزش‌های بین‌المللی به شکل ویژه در تدبیر راهبردهای مدیریت افکار عمومی از طریق دولت‌ها نقش ارزشمندی در آماده نمودن منابع قدرت نرم مخفی در فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و سیاست‌ها دارند. رخدادهای ارزشمند ورزشی بین‌المللی، فرصتهای بسیاری را جهت رهیافت اهداف دیپلماسی عمومی در اختیار کشورها می‌گذارد. تعداد بینندگان بازی‌های المپیک و یا جام جهانی فوتبال از تلویزیون بالغ بر میلیون‌ها نفر می‌شود که بر این تعداد می‌توان حدود میلیون‌ها نفر مخاطب دیگر رسانه‌ها را همچون رسانه‌های مکتوب، شنیداری و یا صداها هزار نفری که برای تماشای این بازی‌ها به ورزشگاه‌ها می‌روند، افزود.

چنین رخدادهای ورزشی ای توجه بسیاری از مردم در کشورهای گوناگون جهان را به خود جلب می‌نماید و ساده‌ترین و نمادین‌ترین پیام که ارتباط رخدادهای ورزشی با مسائل سیاسی بین‌المللی است، را به آنها انتقال می‌دهد. این رویدادهای بزرگ ورزشی از طریق عناصر ناسیونالیستی مشهود (پرچم، یونیفرم‌های ورزشی و مواردی شبیه آنها) و نیز از طریق فراهم کردن فرصت مشابه برای تبلیغات و تحلیل‌گران به منظور آزمودن دستاوردهای فردی یا تیمی برای آزمون‌های شخصی، اراده و دستاورد ملی، یک عرصه نمایش بزرگ برای رهبران سیاسی به منظور رقابت‌های جهانی فراهم می‌کند. از آنجایی که متوسل شدن به ورزش‌های بزرگ بین‌المللی جهت انجام امور دیپلماسی عمومی در توانایی این رخدادهای برای جلب توجه جهانی نهفته است، در استفاده از رویدادهای بزرگ ورزشی به منزله ابزار همبستگی اجتماعی ملی و دیپلماسی عمومی باید به ماهیت رقابتی چنین رویدادهایی توجه جدی شود. ذات و ویژگی اصلی رخدادهای بزرگ ورزشی، رقابت‌های بین‌ملت‌ها است و به‌طور اجتناب‌ناپذیر، مردم را در سطح بین‌المللی در طول محور «ما به آنها» تقسیم می‌نماید. دلیل متوسل شدن دولت‌ها به رخدادهای ورزشی بین‌المللی بزرگ به عنوان ابزاری جهت پیشبرد دیپلماسی عمومی داخلی و بین‌المللی، این است که ورزش رویدادی فرهنگی و جمعی است و به لحاظ اجتماعی از راه ارزش‌های مشترک جهانی اجرا می‌گردد. این ویژگی‌های ورزش می‌تواند نقش با ارزش سیاسی در ملت‌سازی، از طریق غرور ملی در پیروزی‌ها و دستاوردهای تیم ملی در سطح بین‌المللی از طریق نمایاندن هویت جمعی تأیید شده در عرصه بین‌المللی ایفا نماید.

ضمن آنکه در دیگر سطح، ورزش همراه با دیگر مبادلات و اقدامات فرهنگی همچون دانش، زبان و هنر به عنوان قسمتی از منابع فرهنگی یک کشور به شکل قدرت نرم عمل می‌نماید. رخدادهای ورزشی بزرگ، بالاخص رخدادهای بازی‌های المپیک و جام جهانی فوتبال از اقدامات ارتباطی می‌باشند که موجب جلب توجه

میلیونها انسان در تمام جهان می شوند و از این رو یک تریبون کامل هستند تا همه کشورها بتوانند تصویر و فرهنگشان را از طریق آن به نمایش بگذارند. از این رو است که اکنون کشورهای گوناگون افزون بر تلاش برای بودن در بازی های المپیک و مسابقات جام جهانی فوتبال، تلاش بسیاری برای میزبان شدن انجام می دهند. حال نکته حائز اهمیت این است که اکنون بهره مندی از حضور در بازی های المپیک، جام جهانی فوتبال و بالاخص میزبان برگزاری این مسابقات بودن، دیگر فقط وسیله دیپلماسی عمومی کشورهای پیشرفته غربی نیست؛ بلکه شامل بسیاری از کشورهای در حال توسعه در آفریقا و آسیا نیز می باشد.

دیپلماسی ورزشی و ابعاد آن

رابطه میان ارتباطات بین الملل و ورزش، پر مفهوم تر از علاقه و یا تمایلات ورزشی پژوهشگران و ورزشکاران جهت بازتاب یافتن در امور جهانی است. در دنیای کنونی مطابق با دیدگاه پژوهشگران، ورزش فعالیت پاره وقت و سرگرم کننده نمی باشد، بلکه موضوع علمی با برخورداری از پتانسیلی بیشتر از عرصه شایستگی های حرفه ای است. لذا ورزش موضوع ساده که در حیطه زندگی شخصی یک فرد بدان پرداخته می شود، نیست؛ بلکه موضوعی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک می باشد. دگرگونی ذات و درون نظام بین الملل موجب دگرگونی نقش ورزش در نشان بین الملل شد. پیش از عصر جهانی شدن در طول جنگ سرد، نظام بین الملل که اکنون از آن با نام نظام بین الملل گذشته یاد می شود؛ دولت ها فقط بازیگر مسلط سیاست بین الملل بودند و اصل عملکرد آن ها مطابق با مفروضات وستفالی بود. با آمدن و توسعه جهانی، بازیگران نوینی همچون شرکت های چند ملیتی، نهادهای غیردولتی، سازمانهای بین المللی و شخصیت های نفوذمند، به عنوان بازیگران نوین عرصه بین المللی تشکیل یافتند و مضامین جدیدی مثل چند جانبه بودن، میان چند طرف و اقدامات جمعی، در حوزه شبکه های عمودی و افقی جهت نمودهای دیپلماسی تازه، یافت گردید. در چنین دورانی در حالی که دیپلمات های رسمی و دولت ها در جهت رهیافت به سیاست های کشورها مشکل داشتند، بازیگران غیردولتی با قدرت به صحنه آمدند و مسئولیت باقی مانده دولت را حل کردند. این بازیگران طیف وسیعی را تشکیل می دهند، همچون ورزشکاران و دست اندرکاران حوزه ورزش. در این روند رخدادهایی مثل پیشبرد نظام شبکه ای حمل و نقل جهانی و فناوری باعث امکان دسترسی سریع به دیپلمات ها و دست اندرکاران دیپلماسی در قیاس با دوره های پیشین داده است. ضمن آنکه نقش ورزش، در رابطه میان ورزش و سیاست در سطوح گوناگون پررنگ تر گشته است، اکنون ورزش غالباً به عنوان وسیله ای برای ملت سازی، دیپلماسی، ایدئولوژی، و رسیدن به عرصه بین الملل و به دست آوردن منافع تجاری بیان گشته است. لذا، بهبود و ارتقاء نفوذ رخدادهای ورزشی بزرگ و نهادهای ورزشی بین المللی مثل جام جهانی فوتبال و بازی های المپیک تأثیر نفوذمندی بر گسترش توسعه مفهوم دیپلماسی دارد. در بسیاری از موارد، رقبای دولت ها از این رخدادهای جهت پیشبرد ارتباط میان خودشان توسط بهبود وجوه دوستی در طول شکاف های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه جهانی بهره می برند. با وجود اینکه ورزشکاران و نهادهای ورزشی با دیپلمات های سنتی رابطه داشته اند، لیکن شبکه های در حال ظهور و توسعه یافته در این حیطه موجب ظهور کلمه دیپلماسی ورزشی در اکثر مطالعات دیپلماتیک شده اند. دیپلماسی ورزشی در زیر مجموعه وسیع تر دیپلماسی عمومی قرار گرفته است. این دیپلماسی در برگیرنده فعالیت های نمایندگی و دیپلماتیک انجام شده توسط ورزشکاران به نمایندگی از سوی دولت متبوع خود است. استفاده از رخدادهای ورزشی و به دنبال آن

ورزشکاران جهت ارائه، اعلام و به وجود آوردن یک تصویر مناسب میان نهادهای خارجی و مردم برای شکل دادن به ذهنیات و ادراکات آنها به روش اثرگذار برای رهیافت به اهداف سیاست خارجی حکومت ارسال کننده آنها، توجه خاصی شده است. در حالی که دیپلماسی سنتی وسیله ای جهت تحقق اهداف سیاست خارجی یک دولت می باشد، دیپلماسی ورزشی وسیله ای برای ابزارهای این اهداف نیست. دولتها از دلایل گوناگونی برای ورزشی نمودن دیپلماسی برخوردارند. اولین دلیل، دگرگونی رخ داده در فضای دیپلماتیک می باشد که کشورها ناچاراً می بایست پذیرای آن باشند و خودشان را با آن تطبیق دهند. یکی از موارد منسوخ شده و نامناسب دوران جنگ سرد، گرویدن دولت ها به دیپلماسی ورزشی است. بیان شکل سیاست خارجی یک دولت از طریق ورزش به عنوان وسیله غیرمستقیم برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی، این توانایی را دارد که از یک تصویر سحر آمیز، دور و بی ارتباط میان مردم دیگر کشورها به یک تصویر خلاق، نوین، عمومی و مؤثر تغییر نماید. دومین دلیل، گسترش و توسعه قدرت، قلمرو و جذابیت ورزش و نهادهای ورزشی است. دولت ها همواره علاقه عمومی به توسعه ورزش و جدا نمودن آن از عناصر سیاسی مردمی دارند. نمونه های بسیاری از دیپلماسی سنتی ورزشی موجود است: وزارت امور خارجه ژاپن معمولاً از فوتبال و فوتبالست ها استفاده بسیاری می نماید. در حقیقت ژاپنی ها از فوتبال جهت غلبه نمودن بر کلیشه های امپریالیستی بهره برده اند. در این میان می توان بیان کرد بهبود و پیشرفت عملکرد تیم ملی ژاپن، یکی از اهداف تأسیس لیگ برتر فوتبال این کشور در دهه ۱۹۹۰ در جهت انعکاس قدرت اقتصادی ژاپن و دست آوردهای پس از جنگ جهانی بوده است. وزارت امور خارجه این کشور از فوتبال، جهت ضمانت ایجاد محیط مسالمت آمیز برای سربازانش در کشور عراق، برقراری رابطه نزدیک با کشورهای منطقه بالکان و همچنین دعوت از بازیکنان جوان اسرائیلی و فلسطینی برای شرکت نمودن در کمپ های تمرین ورزشی ژاپن بهره برده است. لازم به ذکر است که وزارت امور خارجه آمریکا، از ورزش به عنوان وسیله ای دیپلماتیک توسط برنامه "ورزش متحد می کند" به طور هجومی استفاده نموده است و به طور معمول از چهره های ورزشی کشورش جهت حضور در دیپلماسی ورزشی استفاده نموده است. جمهوری چین در هنگام تأسیس، از ورزش به عنوان وسیله ای دیپلماتیک استفاده نموده است. در آغاز ورزشکاران این کشور جهت بهبود دیپلماسی شان در جهان سوم با استفاده از تبادلات دیپلماتیک فرهنگی با تاکید نمودن بر "طول دوستی، بعد رقابت" استفاده می کردند. مشهورترین مثال، دیپلماسی پینگ پنگ ۱۹۷۱ می باشد که مسیر را برای عادی نمودن ارتباطات دیپلماتیک میان آمریکا و چین آسان نمود. اکنون جمهوری چین از توان ستارگان ورزشی اش جهت رسیدن به اهداف دیپلماتیک خود استفاده می نماید. لازم به ذکر است که این امکان وجود دارد که دولت ها از رخدادهای بزرگ ورزشی مثل بازی های المپیک و جام جهانی فوتبال به عنوان وسیله ای دیپلماتیک برای ایجاد تحریم بر علیه دیگر کشورها استفاده نمایند. حال اگر تحریمی همراه با اعتراضات ورزشی باشد، بدان دیپلماسی هنر گویند با این وجود که نمی تواند به یک منازعه حقیقی بدل گردد، لیکن به خاطر علاقه زیاد جهانی و همچنین پوشش زیاد رسانه ای رخدادهای ورزشی تاثیر بسیاری دارد. افزون بر این، دیپلماسی ورزشی این توانایی را دارد که به عاملی جهت برگشت مجدد یک کشور به جامعه بین المللی گردد. بازی های المپیک ۱۹۶۴ نشانه ورود دوباره کشور ژاپن به گروه کشورهای غربی پس از جنگ جهانی دوم می باشد. بازی های المپیک ۱۹۷۲ مونیخ نیز بیانگر قبولی آلمان غربی در جامعه جهانی و به شیوه ای جدا شدن از روح نازیسم می باشد. ضمن آنکه مشارکت نمودن افریقای جنوبی در بازیهای المپیک ۱۹۹۲ بارسلون بیانگر این امر است که این کشور به یک کشور نو با فاصله از

توسعه دیپلماسی ورزشی در ایران

دیپلماسی ورزشی در طول سالیان گذشته به عنوان بستر پژوهشی اثرگذار بدل گشته است و محققین به دنبال مطالعه و بررسی وجوه نهان و پیدا این امر می باشند. ورزش دارای پتانسیل بسیاری در زمینه های گوناگون بین المللی و ملی است و این مهم را می توان در دولت هایی پیدا نمود که به دنبال آن هستند که از منابع قدرت نرم خود بیشترین بهره را ببرند. به عنوان مثال، ورزش ستاره های بزرگی را به وجود می آورد که می توانند از مرزهای فرهنگی، ملی و نژادی عبور کنند و یا میزبان رخدادهای ورزشی بزرگ باشند. پیگمن (۲۰۱۴) در این باره بیان می دارد که بهر مندی از المپیک جهت پیشبرد ظاهر هر کشور در میان دیگر کشورها و یا بهبود ارتباطات میان کشورها از زمان شروع بازی های المپیک در یونان باستان وسیله ای دیپلماتیک بوده و رخدادهای ورزشی بین المللی با افزایش همکاری میان فرهنگ های مختلف، در بین دولت ها و مردم واسطه گری می نماید. در این باره پامنت (۲۰۱۹) اذعان می دارد که مبلغ میزبانی رخدادهای ورزشی بزرگ معاصر به طور معمول بیشتر از ۱۵ میلیارد دلار می باشد و پیش بینی می گردد که جام جهانی فیفا در سال ۲۰۲۰ در قطر با هزینه ای بیشتر از ۲۰۰ میلیارد دلار مواجه گردد. بنابراین، دیپلماسی ورزشی به عنوان وسیله ای با پتانسیل عالی برندسازی و بازاریابی است که علاقه دولت ها و کشورها را در حیطه ورزشی فزونی می دهد. زیرا دولت ها، رخدادهای بزرگ و کوچک واضح و آشکار را به عنوان موقعیت مناسب کشور و شهرهایشان در افکار جهانی بر می شمارند. در این بین مطالعه حاضر نشان داد که کشور جمهوری اسلامی ایران که در سند چشم انداز بیست ساله خود در افق ۱۴۰۴ "توسعه یافتگی به همراه روابط سازنده با جهان" را مدنظر قرار داده است با چالش های راهبردی مواجه است که ضروری است تا با توجه به نقش مهم دیپلماسی ورزشی همراه با ایجاد ستاد راهبری دیپلماسی ورزش کشور، در سه حوزه تعاملگرایی با جهان، برند سازی و اعتبار بخشی و توانمندسازی ظرفیت ها گام های اساسی بردارد و با اجرای راهبردهای تدوین شده از پیشگامان توسعه دیپلماسی ورزش در منطقه باشد.

تعامل گرایی با جهان

در رابطه با تعامل گرایی در جهان، سفارتخانه های همه کشورهای جهان در ایران، نخستین و در دسترس ترین سازمان جهت برنامه ریزی و تعامل گرایی می باشند. از دیگر سو در زمینه دیپلماسی ورزشی، تحلیل محیط خارجی و داخلی بیان می نماید که راهبرد "گسترش ارتباطات، طراحی و اجرای عملکردهای ورزشی مختص سفارتخانه های خارجی در ایران" برای توسعه و گسترش دیپلماسی ورزشی کشور مناسب می باشد. زیرا از سمتی دستگاه دیپلماسی با مزایای "تعدد و گستردگی سفارتخانه های خارجی در ایران" مواجه است و از دیگر سو "تعاملات نوین ایران با دیگر کشورهای دنیا و همچنین کشور های اثرگذار در عرصه دیپلماسی بین المللی" ارتباط مناسب و زمینه ساز تعاملات بیشتر را ایجاد نموده است. راهبرد مناسب دیگر، تعامل گرایی با جهان می باشد که این توانایی را دارد تا گسترش دیپلماسی ورزشی را برای ایران به همراه آورد. در این میان می بایست بیان نمود که یکی از مهم ترین موضوعات در بحث سیاست خارجی استفاده از همه ابزارها در کنار اتخاذ روش هوشمندانه و منطقی در سیاست خارجی می باشد، به شکلی که سیاست برد - برد، تنها راهبرد کشورها باشد. همچنین می بایست اشاره نمود که پیگیری سیاست تعامل گرایی ایران با دنیا، یکی از مهم ترین مسائل کشور می باشد و از همین رو وزارت امور خارجه ایران را به یکی از فعال ترین نهادهای نظام بدل نموده است. در این

بستر، ایران بانسان دادن چهره ای مثبت جهت رفع مشکلات گوناگون بین المللی میزان علاقه خود را به تعامل با تمام کشورهای دنیا جهت رفع موضوع های گوناگون بیان نموده است. نمونه بارز این امر در سال ۲۰۱۶ میلادی، توافق اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ است؛ و حتی پیش از این امر، در سال ۲۰۰۱ شعار «گفتگوی تمدن ها» توسط آقای خاتمی - رئیس جمهور وقت ایران- در سازمان ملل بیانگر نگاه ایران به تعامل گرایی با جهان بود. بر این اساس می بایست دید که چگونه ورزش به عنوان یک ابزار می تواند در سیر این مسیر کمک نماید و دستگاه سیاست خارجی را به این سمت هدایت نماید. صاحب نظران اعتقاد دارند که ورزشکاران نخبه ابزاری تاثیرگذار بر دیپلماسی ورزشی می باشند. لذا راهبرد "نقش آفرینی ورزشکاران نخبه با نام سفیران صلح و دوستی در جهان و ایران" به عنوان اصلی ترین راهبرد، این توانایی را دارد تا تاثیرگذار باشد. بر این اساس می توان بیان نمود که دستگاه ورزش ایران دارای موقعیت های بسیاری در فضای بین المللی است، اما به دلیل ضعف مالی در مقابل استفاده بهینه نمی تواند از آن بهره برد. در این میان بخش خصوصی پتانسیلی برای این مهم است. راهبرد بسترسازی برای بازیگری سرمایه گذاران خارجی و داخلی جهت بهبود و ارتقاء امر دیپلماسی ورزش کشور از آن جهت اهمیت دارد که جنس دیپلماسی ورزشی از ساختار دولتی جدا است. ضمناً از منظر سرمایه گذاری، فرصت های بسیاری در برابر سرمایه گذاران خارجی و ایرانی می باشد.

حال با وجود اینکه ۱۴ درصد آثار فرهنگی و باستانی ثبت شده در جهان متعلق به ایران می باشد، لیکن در دیگر سو فقط دو هزارم درصد از سهم گردشگری جهان به ایران تعلق دارد. در این باره در رابطه با محیط زیست گردشگری ورزش جهانی با شتاب زیاد به یک صنعت بزرگ و ابزار بازاریابی- تجاری شهرها و کشورهای علاقه مند به وضعیت "سطح جهانی" بدل گشته است. براوو و سیلوا(۲۰۱۴) در این باره گفته اند که از دهه ۱۹۰۰ ورزش در شیلی یک قسمتی از سیاست عمومی بود و اکنون با چالشی اساسی جهت فراهم نمودن راهبرد استفاده بخش خصوصی در توسعه ورزش این کشور روبرو است.

روش تحقیق :

پژوهش حاضر از روش تحقیق آمیخته و از نوع اکتشافی متوالی استفاده کرده است. در این پژوهش، در گام نخست بخش کیفی و سپس بخش کمی انجام شده است. ضمن آنکه این پژوهش از نظر هدف، در نخستین مرحله جزء تحقیقات اکتشافی و در مرحله دوم تبیینی در مرحله دوم بوده است و از منظر نتیجه، جزء تحقیقات کاربردی می باشد. شیوه جمع آوری داده ها به گونه مطالعات کتابخانه ای- میدانی است که با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و مصاحبه با ۲۰ نفر خبره و صاحب نظر، عوامل اساسی شناسایی شد. سپس برای بررسی گویه ها از روش کیفی با تشکیل گروه دلفی بهره گرفته شد و اعضای گروه دلفی با انتخاب گزینه بله یا خیر در مورد گویه های جمع آوری شده در دو مرحله اظهار نظر کردند. در بخش کمی با توجه به نتایج به دست آمده از مرحله دلفی، پرسشنامه ای طراحی شد. یافته های حاصل از توزیع پرسشنامه در نرم افزار SPSS و lisrel مورد بررسی قرار گرفت.

پس از شناسایی ۶ بعد با استفاده از روش کیفی مصاحبه و روش دلفی به بررسی و تحلیل داده ها با استفاده از روش کمی پرداخته می شود:

آمار استنباطی

بررسی نرمال بودن داده ها

قبل از انجام آزمون فرضیات پژوهش بایستی نرمال بودن داده ها بررسی شود تا مشخص شود که آیا می توان از آزمون های پارامتری استفاده کرد یا خیر؟.

جدول ۱: بررسی نرمال بودن داده ها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

متغیر	آماره کلموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی داری	نتیجه فرضیه
آسیب فرهنگی	۰.۹۸۷	۰.۳۳۳	دارای توزیع نرمال
آسیب دیپلماتیک	۱.۰۴۹	۰.۵۹۳	دارای توزیع نرمال
آسیب روابط دوستانه	۱/۵۵۹	۰/۵۱۱	دارای توزیع نرمال
آسیب انسجام ملی	۱/۸۰۷	۰/۳۷۹	دارای توزیع نرمال
آسیب توسعه تجاری	۱/۹۵۰	۰/۴۱۲	دارای توزیع نرمال

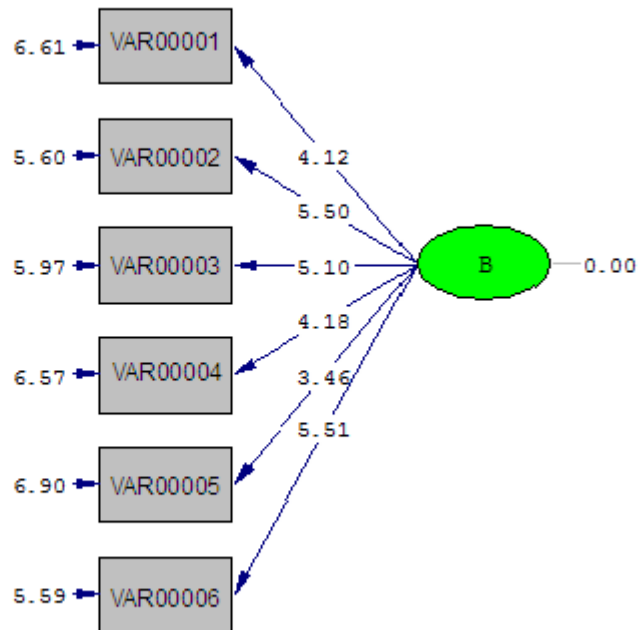
با توجه به مقدار سطح معنی داری که برای همه متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض نرمال بودن توزیع جوامع موردنظر رد نمی شود، بنابراین می توان از آزمون های پارامتری، جهت آزمون این متغیرها استفاده کرد.

سنجش ابعاد تحقیق با استفاده از معادلات ساختاری Lisrel

مدل اندازه گیری ابعاد آسیب های دیپلماسی بین المللی ورزش ایران نمودارهایی که در بخش زیر آورده شده مدل ابعاد آسیب امور فرهنگی دیپلماسی بین المللی ورزش ایران در حالت معناداری را نشان می دهد که نشان دهنده این است که بارهای عاملی و ضریب برای هر یک از زیر شاخص های مولفه مربوطه معنادار است.

آسیب امور فرهنگی:

- C1: عدم ارائه تصویر واقعی مردم ایران به جهانیان
- C2: عدم توانایی تقویت تعاملات مردمان ایران با جهانیان
- C3: عدم توسعه ورزشهای بومی، محلی و باستانی کشور در سطح جهانی
- C4: عدم قابلیت پذیرش مسئولیت رویدادهای مهم ورزشی

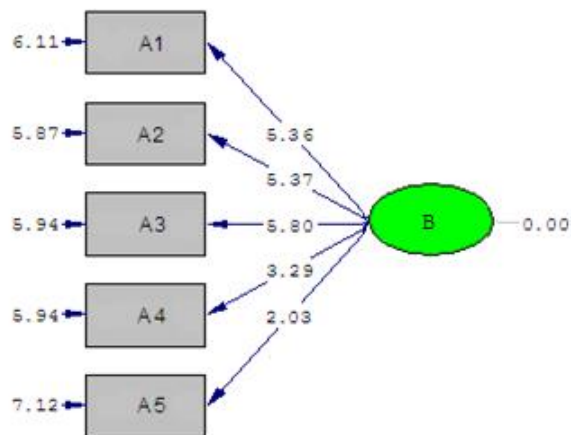


Chi-Square=31.26, df=9, P-value=0.00027, RMSEA=0.049

شکل ۱: مدل اندازه گیری ابعاد آسیب امور دیپلماتیک با استفاده از تحلیل عاملی در حالت معنی داری

آسیب امور دیپلماتیک

- A1: محدودیت های قوانین حکومتی و دولتی
- A2: عدم وجود زیرساخت های توسعه روابط دیپلماتیک
- A3: عدم توانایی خروج از انزوای سیاسی و ژئوپولوتیکی
- A4: عدم بازسازی و بهبود بخشی نهادهای داخلی
- A5: عدم توانایی ایجاد تقارب جغرافیایی سیاسی به جغرافیایی طبیعی



Chi-Square=57.44, df=14, P-value=0.00016, RMSEA=0.046

شکل ۲: مدل اندازه گیری ابعاد آسیب امور دیپلماتیک با استفاده از تحلیل عاملی در حالت معنی داری

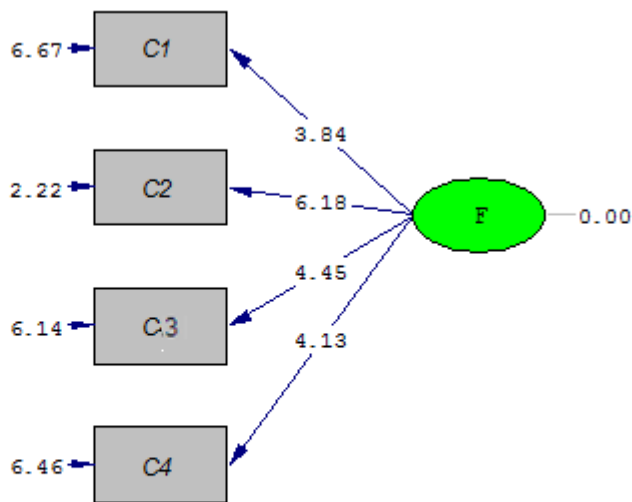
آسیب روابط دوستانه

C1: عدم قابلیت بهبود روابط خارجی و افزایش تفاهم با همه دولتها

C2: وجود جنگ روانی میان دولتها

C3: وجود تعصب های تنوع نژادی، عقیده ای، مذهبی، قومی، منطقه ای و طبقاتی

C4: وجود فضای سرد سیاسی متقابلی



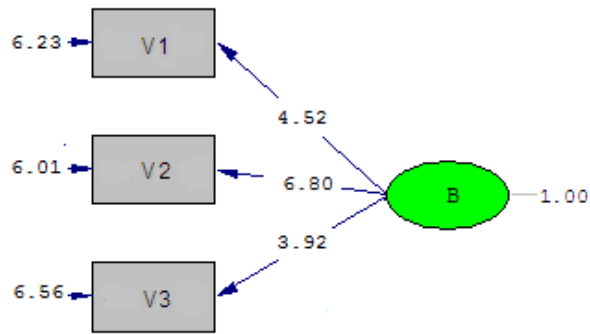
Chi-Square=2.98, df=2, P-value=0.00228, RMSEA=0.020

شکل ۳: مدل اندازه گیری ابعاد آسیب ایجاد روابط دوستانه با استفاده از تحلیل عاملی در حالت معنی داری

آسیب انسجام ملی

V1: عدم توانایی اثرگذاری بر افکار عمومی

V2: عدم تغییر در دشمنی های دو جامعه و برقراری پیوندهای دوجانبه ملت ها
 V3: عدم رهبری مطلوب، کار تیمی قوی و احترام به قوانین و یکدیگر



Chi-Square=11.36, df=5, P-value=0.00207, RMSEA=0.054

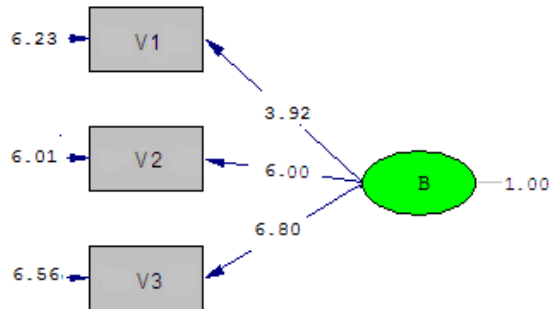
شکل ۴: مدل اندازه گیری ابعاد آسیب انسجام ملی با استفاده از تحلیل عاملی در حالت معنی داری

آسیب توسعه تجاری

V1: عدم ایجاد توسعه پایدار

V2: عدم توانایی افزایش برون ده های اقتصادی

V3: عدم ایجاد ارتباط پایدار و توسعه میان دو کشور



Chi-Square=12.56, df=5, P-value=0.00505, RMSEA=0.015

شکل ۵: مدل اندازه گیری ابعاد آسیب توسعه تجاری با استفاده از تحلیل عاملی در حالت معنی داری

جمع بندی و نتیجه گیری:

در ایران، دیپلماسی ورزشی از کمبودهای گوناگونی برخوردار است که عدم بودن نمایندگان ایرانی در زیرساخت های تاثیرگذار بین المللی ورزش اصلی ترین آن هاست. آشکار و مبرهن میباشد که کشورهای قوی

در عرصه اقتصاد به خوبی این توانایی را دارند تا از ورزش و اهرم دیپلماسی ورزشی به شکل یک برنامه هدفمند، طولانی مدت و به طور کلی اجرایی در گسترش و توسعه روابط بین الملل خودشان با دیگر با کشورها بهره ببرند. میزبانی های گوناگون و بسیار، رخدادهای تک و چند رشته ای آن ها در طول دو دهه قبل، از جمله تغییرات دیدگاه جامعه جهانی به ورزش می باشد. از این رو به نظر می رسد ورزش جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب دگرگونی های پر فراز و نشیبی را گذرانده باشد و اگر چه سیری هدفمند و در جهت ارتقاء و رشد را بالاخص در عرصه های بین المللی تجربه نموده است، لیکن از دیدگاه دیپلماسی ورزش هنوز الگوی شایسته ایران و انقلاب اسلامی را نیافته است. سیاست مداران عرصه روابط دیپلماتیک کشور ایران بر عکس دیگر کشورها همچون روسیه، برزیل، چین و حتی کشور همجوار ترکیه، همچنان ادراک ورزشی خوب و درستی از قدرت دیپلماتیک ورزشکاران، داوران، مربیان و به طور کلی موقعیت ورزش ایران ندارند و به رغم استفاده ابزاری و غیر مستقیم دیگر کشورها از ورزش جهت انتقال پیام خود به جامعه جهانی، این امر در دستگاه دیپلماتیک ایران مورد توجه نیست. از یک طرف نبود رابطه بین دو بخش ورزش و روابط بین الملل و از طرف دیگر نگاه "حیات خلوت" به ورزش در میان تصمیم گیران حوزه دیپلماسی ایران، بستر را جهت از دست رفتن فرصت های پر فایده و کم هزینه دیپلماتیک ورزش آماده نموده است. عدم برخورداری از استراتژی کلان، نبود ضمانت اجرایی مناسب، و کوشش دیپلماتیک هم افزا (و نه جرقه ای) در وزارت خارجه ایران باعث گشته تا ورزش همچون دیگر ابعاد دیپلماسی عمومی، این توانایی را نداشته باشد تا خود را به شکل اهرمی اقتصادی، سیاسی جهت رهیافت به اهداف عالی نظام مطرح کند. در محیط پرفشار پساتحریم ایران توسط دولت ایالات متحده، ورزش ایران این توانایی را دارد که به عنوان اهرمی جهت آسان نمودن و بهبود رابطه با دیگر کشورها مثل کشورهای اروپایی و همسایه ایران مورد استفاده قرار گیرد تا افزون بر تقویت بهبود تعاملات ورزشی در عرصه بین الملل، ایران را به عنوان کشوری با پتانسیل بالا برای تعامل سازنده و محترمانه در جهان مطرح نماید. برای تحقق مطلوب هر امر باید عوامل موثر بر آن و ابعاد و زیرشاخص های آن را شناخت تا بتوان با ارائه چهارچوب مناسب و راهکارهای متناسب برای هر سازمان، این شاخص ها را تقویت کرد. در این حوزه بر اساس نتایج به دست آمده می توان راهکارهای زیر را ارائه داد:

ارتباط مردم و مؤسسات مختلف مرتبط با ورزش با یکدیگر،
حمایت از ایده ها، خلاقیت و تحقق انسجام از طریق ورزش،
ترویج روابط مناسب با دولت های مختلف به دلایل استراتژیک
معرفی سفیران ورزشی به جامعه جهانی
توسعه و تقویت حضور در کمیسیون های مختلف ورزشی
تقویت تصویر ملی در جامعه جهانی
برگزاری میهمانی های ورزشی
رسانه ای کردن ورزش بین الملل
رفع قوانین محدودیت زا تا حد امکان
مشارکت فعال و مداوم در ابر رویدادهای ورزشی
استفاده از ورزش به دلیل تقویت روابط دیپلماتیک
در ادامه در این زمینه پیشنهاداتی به سایر پژوهشگران ارائه می شود:

پیشنهاد به پژوهشگران:

الگوی ارائه شده تحقیق به عنوان نخستین تجربه میتواند چارچوب اولیه ای برای مطالعات آینده در این زمینه باشد. پژوهشگران بعدی میتوانند با ارائه الگوهای کاملتر، نتایج این تحقیق را تقویت کنند و یا به نتایج و نکات جدیدی دست یابند.

در تحقیقات بعدی پژوهشگران می توانند به مطالعات تطبیقی در این زمینه بپردازند.

- آمره، محمد، ۱۴۰۰، بررسی نقش رسانه در پیشبرد دیپلماسی ورزشی ایران، هفتمین همایش ملی علوم ورزشی و تربیت بدنی ایران، تهران
 - بخشی چناری، امین رضا و زردشتیان، شیرین و محمدی جامع، حسین، ۱۳۹۹، مطالعه تطبیقی اقدامات و تجارب دیپلماسی ورزشی در جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منتخب، مدیریت ارتباطات در رسانه های ورزشی، دوره: ۷، شماره: ۳
 - بخشی چناری، امین رضا و گودرزی، محمود و سجادی، نصرالله و جلالی فراهانی، مجید، ۱۳۹۸، ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
 - پیمان فر، محمد حسن و الهی، علیرضا و سجاد پور، سید محمد کاظم و حمیدی، مهرزاد، ۱۴۰۰، راهبردهای توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران
 - چراغ بیرجندی، کاظم و جلیلی، سیدمصطفی، ۱۳۹۹، طراحی مدل دیپلماسی ورزش در استان خراسان جنوبی، اولین همایش بین المللی و ششمین همایش ملی انجمن علمی مدیریت ورزشی ایران، تهران
 - حسینی عسگرآبادی، مریم و حیدری نژاد، صدیقه و مرعشیان، سیدحسین و رومی، فرشاد، ۱۳۹۹، شناسایی و تحلیل استراتژی ها و کارکردهای استفاده از ورزش به عنوان ابزار دیپلماسی عمومی، سومین همایش ملی علوم ورزشی با رویکرد ورزش، سلامت، جامعه، اهواز
 - زارعی، آرش و رحیمی، پوریا، ۱۳۹۷، بررسی و نقش دیپلماسی مدیریت رسانه های ورزشی، پنجمین همایش ملی علوم ورزشی و تربیت بدنی ایران، تهران.
 - شریعتی فیض آبادی، مهدی، ۱۳۹۸، مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب، دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره: ۱۵، شماره ۱
 - شهابی، هوشنگ (۱۳۸۳)، «دیپلماسی ورزش بین ایالات متحده و ایران»، گفتگو، شماره ۴۲، صص ۲۶-۷.
 - یوسفی اردبیلی، فرهاد، ۱۳۹۷، نقش دیپلماسی ورزشی در دیپلماسی سیاست خارجی کشور، چهارمین همایش ملی علوم ورزشی و تربیت بدنی ایران، تهران
- Abdi K, Talebpour M, Fullerton J, Ranjkesh MJ, Jabbari Nooghabi (2018.) Converting sports diplomacy to diplomatic outcomes: Introducing a sports diplomacy model. *International Area Studies Review*. 21(4):365-81.
 - Abdi, K., Talebpour, M., Fullerton, J., Ranjkesh, M. J., & Nooghabi, H. J. (2019). Identifying sports diplomacy resources as soft power tools. *Place Branding and Public Diplomacy*, 15(3), 147-155.
 - Bakhshi Chenari, A. R., Goodarzi, M., Sajjadi, S. N., & Jalali Farahani, M. (2021). Identifying the tools of sports diplomacy to advance the political goals of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*
 - Bravo, G., & Silva, J. (2014). Sport policy in Chile. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 6(1), 129-142.
 - Castro, A. S. e. (2013). 2014 FIFA WORLD CUP AND 2016 OLYMPIC GAMES: BRAZIL'S STRATEGY 'TO WIN HEARTS AND MINDS' THROUGH SPORTS AND FOOTBALL. *Public Diplomacy*, 28-35.
 - Côme, T., & Raspaud, M. (2018). Sports diplomacy: A strategic challenge for Qatar. *Hermes, La Revue*, (2), 169-175.

- Dubinsky, Y. (2019). From soft power to sports diplomacy: A theoretical and conceptual discussion. *Place Branding and Public Diplomacy*, 15(3), 156-164.
- Eaton, J. (2018). Decentring US sports diplomacy: The 1980 Moscow boycott through contemporary Asian–African perspectives. In *Sport and diplomacy*. Manchester University Press.
- Hongying, W. A. N. G. (2019). Japan's Sports Diplomacy in the Postwar Era. *Journal of Northeast Asia Studies*.
- Javadipour, M., & Rasekh, N (2019). The Role of Sport and Sport Diplomacy Development in Advancing Sociocultural Policies and Foreign Relations of the Islamic Republic of Iran. *Journal of SPORT MANAGEMENT (HARAKAT) summer 2019 , Volume 11 , Number 2 ; Page(s) 219 To 234.*
- Kobierecki, M. M. (2020). *Sports diplomacy: Sports in the diplomatic activities of states and non-state actors*. Lexington Books.
- Kobierecki, M. M. (2021). Aviation diplomacy: a conceptual framework for analyzing the relationship between aviation and international relations. *Place Branding and Public Diplomacy*, 17(4), 293-303.
- Kočí, K., Dubský, Z., & Burgrová, I. (2021). Sports diplomacy and gender: equal opportunities for women in Czech basketball. *Politics in Central Europe*, 17(3), 451-479.
- Min, D. and Choi, Y. (2019). Sport Cooperation in Divided Korea: An Overstated Role of Sport Diplomacy in South Korea. *Sport in Society*, 22(8), pp. 1382-1395.
- Mokhtari, S., & Keshishyan Siraki, G. (2020). The Role of Second Way Diplomacy in Iran-US Relations: A Case Study of Sports Diplomacy (1998-2019). *International Relations Research*, 10(4).
- Murray, S. (2017). Sports diplomacy in the Australian context: Theory into strategy. *Politics & Policy*, 45(5), 841-861.
- Pamment, J. (2019). Special issue on sports diplomacy. *Place Branding and Public Diplomacy*, 15(3), 145-146.
- Peymanfar, M. H., Elahi, A., Sajjadpour, S. M. K., & Hamidi, M. (2019). Explaining of sports diplomacy by using the paradigm: a qualitative study. *Journal of Sport Management*, 11(1), 59-75.
- Pigman, G. A